

عنوان مقاله:

گسست ماکیاوولی از مبانی فلسفه سیاسی ارسطو

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 14، شماره 31 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

محسن باقرزاده مشکی باف - دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز

مصطفی عابدی - دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز

محمود صوفیانی - استادیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

در این پژوهش درصدد توضیح این موضوع هستیم که چگونه نیکولو ماکیاوولی، مبانی اندیشه سیاسی کلاسیک را به صورت بنیادین مورد نقد قرار می دهد و در گسست از آن مبانی، راه را برای ایجاد نگرشی جدید به سیاست و همچنین تاسیس علم سیاست هموار می کند. در این جستار، فلسفه سیاسی ارسطو به عنوان نماینده منطق اندیشیدن سیاسی کلاسیک مطرح شده است و این اندیشه را بر اساس سه اصطلاح استراتژیک طبیعت، بخت و فضیلت و همچنین نسبت پیچیده میان آن ها و ارتباطشان به سیاست در منظر ارسطو، مورد تفسیر و بررسی قرار می دهیم و نشان خواهیم داد که سیاست دنباله نگاه طبیعت محور و اخلاق محور ارسطوست. همچنین به صورت همزمان می پردازیم به اینکه چگونه ماکیاوولی با سه اصطلاحی که در مقابل اصطلاحات ارسطو وضع می کند (که عبارتند از قدرت، ویرتو و میهن) مبانی اندیشه سیاسی ارسطو و همچنین به تبع آن اندیشه سیاسی کلاسیک را بی اعتبار می کند و راه را برای ایجاد اندیشه سیاسی جدید که در بیرون میدان جاذبه قدرت طبیعت، قدرت اخلاق و قدرت بخت شکل می گیرد، باز می کند. جایی که آدمی تنها با اتکا به اراده خود و ویرتو و بدون نیاز به نیروی طبیعت و بخت، منطق مناسبات سیاسی را به نفع خود بر هم می زند.

کلمات کلیدی:

ماکیاوولی، ارسطو، طبیعت، بخت، فضیلت، ویرتو، میهن، قدرت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1221037>

